

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشکده زبان و ادبیات

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

شرح مشکلات ظفرنامه

شرف‌الدین علی یزدی

استاد راهنما:

دکتر سید محمود الهام‌بخش

استاد مشاور:

دکتر محمد رضا نجاریان

پژوهش و نگارش:

مرضیه زارع رشکوئییه

مهرماه ۱۳۸۸

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
.....	چکیده
.....	پیشگفتار
..... ۱	فصل اول: مبادی تحقیق
..... ۲	۱-۱- تعریف موضوع
..... ۲	۲-۱- پیشینه تحقیق
..... ۳	۳-۱- سؤال‌های پژوهشی
..... ۴	۴-۱- اهداف تحقیق
..... ۴	۵-۱- روش تحقیق
..... ۵	فصل دوم: زمانه زندگی شرف‌الدین علی (دوره تیموری)
..... ۶	۱-۲- زندگانی تیمور
..... ۷	۲-۲- جانشینان تیمور
..... ۱۰	۳-۲- ساختار سیاسی دوره تیموری
..... ۱۱	۱-۳-۲- نهادهای سیاسی
..... ۱۲	۴-۲- ساختار فرهنگی دوره تیموری
..... ۱۴	۱-۴-۲- نهادهای فرهنگی
..... ۱۵	۲-۴-۲- نخبگان فرهنگی

فصل سوم: ادبیات منشور در دوره تیموری.....	۱۶
۱-۳- نثر در قرن نهم.....	۱۷
۲-۳- تاریخ‌نویسی.....	۱۸
۳-۳- کتب تاریخی و مورخان قرن نهم.....	۱۹
۴-۳- کتب ادبی قرن نهم.....	۲۰
فصل چهارم: نگاهی گذرا بر زندگی شرف‌الدین علی یزدی و معرفی ظفرنامه	۲۱
۱-۴- زندگی شرف‌الدین علی از ولادت تا وفات.....	۲۲
۲-۴- آثار و تألیفات شرف‌الدین علی.....	۲۵
۳-۴- ظفرنامه‌های گوناگون.....	۲۶
۴-۴- ظفرنامه تیموری و ویژگی‌های آن.....	۲۸
فصل پنجم: ویژگی‌های دستوری ظفرنامه.....	۳۲
۱-۵- فعل.....	۳۳
۱-۵-۱- کاربرد افعال مجهول.....	۳۳
۱-۵-۲- کاربرد افعال دعایی.....	۳۳
۱-۵-۳- کاربرد افعال آغازین.....	۳۳
۱-۵-۴- کاربرد افعال تابع.....	۳۴
۱-۵-۵- کاربرد افعال پیشوندی.....	۳۴
۱-۵-۶- کاربرد افعال ماضی با (بای تأکید).....	۳۴
۱-۵-۷- کاربرد افعال وجه وصفی.....	۳۵
۱-۵-۸- کاربرد افعال مرکب.....	۳۵
۱-۵-۹- کاربرد مصدرهای ربطی نادر (افتادن) و (آمدن) در معنای شدن.....	۳۵
۲-۵- حروف.....	۳۶

- ۳۶.....۱-۲-۵ کاربرد (را).....
- ۳۶.....۱-۱-۲-۵ استعمال (را) به عنوان نشانه صریح.....
- ۳۶.....۲-۱-۲-۵ استعمال (را) در معنای برای.....
- ۳۶.....۳-۱-۲-۵ استعمال (را) به عنوان متمم فعل.....
- ۳۷.....۴-۱-۲-۵ استعمال (را) برای بیان تعلق.....
- ۳۷.....۵-۱-۲-۵ استعمال (را) برای تغییر فعل.....
- ۳۷.....۶-۱-۲-۵ استعمال (را) بعد از نهاد.....
- ۳۸.....۲-۲-۵ کاربرد (یاء).....
- ۳۸.....۱-۲-۲-۵ (یا)ی شرطی.....
- ۳۸.....۲-۲-۲-۵ (یا)ی استمراری.....
- ۳۸.....۳-۵ صفات.....
- ۳۹.....۱-۳-۵ تطابق صفت و موصوف در افراد و جمع.....
- ۳۹.....۲-۳-۵ تطابق صفت و موصوف در مؤنث و مذکر.....
- ۳۹.....۳-۳-۵ صفات مرکب.....
- ۴۰.....۴-۳-۵ کاربرد صفات عالی به صورت: صفات تفضیلی + اسم + ی.....
- ۴۰.....۴-۵ قید.....
- ۴۰.....۱-۴-۵ کاربرد قید به صورت؛ حرف اضافه ب + اسم.....
- ۴۰.....۲-۴-۵ کاربرد قید به صورت؛ تکرار یک واژه.....
- ۴۱.....۳-۴-۵ کاربرد قید به صورت؛ استعمال یک حرف اضافه میان دو واژه یکسان....
- ۴۱.....۴-۴-۵ کاربرد ترکیبات عربی در جایگاه قید.....
- ۴۲..... فصل ششم: سبک‌شناسی ظفرنامه.....
- ۴۳..... ۱- سبک‌شناسی نثر در دوره تیموری.....

- ۴۵.....۲-۶ ویژگی عمومی نثر در دوره تیموری
- ۴۷.....۳-۶ سبک‌شناسی واژگان ظفرنامه
- ۴۷.....۱-۳-۶ کاربرد واژگان عربی
- ۴۸.....۲-۳-۶ کاربرد واژگان ترکی و مغولی
- ۴۸.....۳-۳-۶ مصوت‌ها
- ۴۹.....۴-۳-۶ صامت‌ها
- ۵۱.....۴-۶ جمع بستن واژگان با الف و ت
- ۵۱.....۵-۶ ترکیبات
- ۵۲.....۱-۵-۶ ترکیبات اسمی
- ۵۲.....۲-۵-۶ ترکیبات فعلی
- ۵۳.....۳-۵-۶ ترکیبات وندی
- ۵۳.....۱-۳-۵-۶ ترکیبات پیشوندی
- ۵۳.....۱-۳-۵-۶ ترکیبات پسوندی
- ۵۳.....۶-۶ مترادفات
- ۵۴.....۷-۶ جملات
- ۵۵.....۱-۷-۶ اطناب
- ۵۶.....۲-۷-۶ چگونگی ترتیب و ترکیب ارکان جمله
- ۵۶.....۳-۷-۶ حذف افعال و دیگر ارکان جمله
- ۵۶.....۱-۳-۷-۶ حذف فعل
- ۵۷.....۲-۳-۷-۶ حذف فعل معین (بود) از پایان فعل‌های بعید
- ۵۷.....۳-۳-۷-۶ حذف (باید) در فعل مرکب
- ۵۷.....۴-۷-۶ ختم جملات به مصدر

- ۵۷.....۱-۶ کاربرد مصدر جعلی غارتیدن
- ۵۸.....۹-۶ کاربرد قلمی کردن به جای نوشتن
- ۵۸.....۱۰-۶ استعمال تاریخ به صورت سال های قمری به زبان عربی
- ۵۸.....۱۱-۶ تکرار
- ۶۰.....۱۲-۶ استعمال ماده تاریخ
- ۶۳.....۱۳-۶: آراستگی ها
- ۶۳.....۱-۱۳-۶ تضمین اشعار
- ۶۵.....۲-۱۳-۶ اقتباس از آیات و احادیث
- ۶۵.....۳-۱۳-۶ درج امثال و حکم
- ۶۶.....۴-۱۳-۶ عناصر تصویر ساز
- ۶۷.....۱-۴-۱۳-۶ تشبیه
- ۶۸.....۲-۴-۱۳-۶ استعاره
- ۶۹.....۳-۴-۱۳-۶ تشخیص
- ۶۹.....۴-۴-۱۳-۶ کنایه
- ۶۹.....۱۴-۶ صنایع بدیعی
- ۷۰.....۱-۱۴-۶ بدیع لفظی
- ۷۰.....۱-۱-۱۴-۶ سجع
- ۷۱.....۲-۱-۱۴-۶ ازدواج
- ۷۱.....۳-۱-۱۴-۶ جناس
- ۷۲.....۴-۱-۱۴-۶ واج آرایی
- ۷۲.....۲-۱۴-۶ بدیع معنوی
- ۷۲.....۱-۲-۱۴-۶ مراعات النظیر

۷۳.....	۲-۲-۱۴-۶ تضاد.....
۷۳.....	۳-۲-۱۴-۶ تنسيق الصفات.....
۷۳.....	۴-۲-۱۴-۶ تلميح.....
۷۴.....	۵-۲-۱۴-۶ ارسال المثل.....
۷۵.....	۶-۲-۱۴-۶ لف و نشر.....
۷۵.....	۷-۲-۱۴-۶ اعداد.....
۷۶.....	فصل هفتم: شرح واژگان و تركيبات.....
۴۹۰.....	فصل هشتم: كنايات.....
۴۹۱.....	كنايات در متن.....
۵۰۰.....	كنايات در ابیات.....
۵۱۰.....	فصل نهم: آیات و احاديث.....
۵۱۱.....	۱-۹- شيوه کاربرد آیات و احاديث.....
۵۱۴.....	۲-۹- شرح آیات.....
۵۴۳.....	۳-۹- شرح احاديث.....
۵۴۷.....	فصل دهم: اشعار و عبارات عربی.....
۵۴۱.....	۱-۱۰- اشعار عربی.....
۵۵۳.....	۲-۱۰- شرح جملات و عبارات عربی.....
۵۶۶.....	فصل یازدهم: نتیجه‌گیری.....
۵۶۹.....	منابع و مأخذ.....

پیشگفتار

رساله پیش‌رو، حاصل بررسی‌ها و مطالعات و مراجعاتی است که از تیرماه سال ۱۳۸۷ آغاز شد و تا همین اواخر ادامه داشت. نگارنده برای تدوین این پایان‌نامه و شرح مشکلات ظفرنامه از کتب مختلفی بهره گرفته که در زمره منابع کار به شمار می‌آیند، البته علاوه بر این منابع اعلام شده، کتب دیگری نیز در این زمینه مورد مطالعه قرار گرفته که از مطالب آن‌ها در این رساله استفاده نشده است.

در انجام این کار، به اقتضای موضوع که بررسی و شرح مشکلات کتابی مفصل و پرحجم از نوع نثر مصنوع و متکلف است، اولین مشکلی که وجود داشت فهم متن دشوار و ثقیل این کتاب بود، زیرا در بعضی موارد باید چندین بار یک جمله خوانده می‌شد تا بتوان مفهوم آن را دریافت. بعد از اشراف نسبی به مطالب کتاب، به فیش‌پرداری درباره مقولاتی که می‌بایست در پایان‌نامه ذکر شود پرداخته شد که در طی چهار تا پنج ماه قریب به دو هزار فیش گردآوری شد، سپس به مطالعه و دسته‌بندی موضوعی فیش‌ها پرداخته شد و در نهایت نگارش فصول به صورت جداگانه آغاز شد رساله حاضر در یازده فصل تنظیم گردیده که امید است توانسته باشیم رسالت خود را در راه سهل ساختن و روشن کردن فهم مطالب ظفرنامه به انجام رسانیم. بدیهی است که در کاری چنین دشوار و سنگین، امکان بروز سهو و لغزش یا ناهمخوانی با سلیقه‌های مختلف وجود دارد که امید است اینگونه کاستی‌ها با راهنمایی‌های صاحب‌نظران به ویژه هیأت داوران جلسه دفاع پایان‌نامه به حداقل برسد.

شایان ذکر است که در طول نگارش این پایان‌نامه، راهنمایی‌های آقای دکتر سید محمود الهام‌بخش و آقای دکتر محمدرضا نجاریان و آقای دکتر یدالله جلالی پندری بسیار راه‌گشای نگارنده بوده است که در همین جا، الطاف بیدریغ این اساتید را ارج می‌نهم. سپس از خانم حمیده مطهری‌نیا و خانم ستاره صابر و خانم رضایی که زحمات‌های بنده را با خوش‌خلقی تحمل نموده

تقدیر و تشکر می‌نمایم و همچنین از مسئولان محترم پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی و کتابخانه‌های مرکزی و مجتمع علوم انسانی دانشگاه یزد و کتابخانه وزیری که مرا در جستجوی کتب مربوط یاری کردند تشکر می‌کنم، همچنین از خانم زهرا ملاحسینی که زحمت تایپ و حروفچینی این رساله حجیم، با وجود وقت اندک، برعهده ایشان بود بسیار سپاسگزارم.

در نهایت باید از خانواده عزیزم - به ویژه مادر مهربانم - که در تمام دوران زندگی و تحصیل همراه و همیار همیشگی من بودند قدردانی نمایم و همچنین از همسر ارجمندم که مایه امید و دلگرمی من در راه تحصیل و پژوهش بود، سپاس فراوان دارم.

در پایان از همه دوستان خوبم که در مسیر این پژوهش، انگیزه بخش اینجانب بودند تشکر می‌نمایم.

مرضیه زارع

مهرماه ۱۳۸۸

فصل اول

مبادی تحقیق

۱-۱ تعریف موضوع

کتاب «ظفرنامه» یا فتحنامه اثر شرفالدین علی یزدی از جمله کتاب‌هایی است که در اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم هجری تألیف شده است و می‌توان شرفالدین علی را به سبب نگارش این اثر، احیاکننده نثر فنی و مصنوع دوره قبل به شمار آورد. به سبب این شیوه نثر است که هر خواننده‌ای هنگام مطالعه این کتاب با واژگان و لغاتی روبه‌رو می‌شود که با معانی آنها آشنایی ندارد و یا با اشارات و آیات قرآنی مواجه می‌گردد که در نگاه اول برای او مبهم و ناشناخته است. از آنجا که شناخت و آشنایی با واژگان و اصطلاحات و ترکیبات یک اثر می‌تواند در دریافت مفاهیم و مطالب آن نقش عمده‌ای ایفا نماید و باعث سهولت در خواندن و یادگیری مطلب می‌شود، در این پژوهش، کوشش براین است که با استفاده از فرهنگ‌های لغت، اصطلاحات و لغات دشوار و نامأنوس عربی و فارسی کتاب «ظفرنامه تیموری» شرح داده شود و با بهره‌گیری از کتب قرآن کریم و احادیث بخش‌هایی از متن که مبهم است بر خواننده روشن گردد.

۱-۲- پیشینه تحقیق

«ظفرنامه» تألیف شرفالدین علی یزدی، اولین بار در سال ۱۸۸۷-۸ میلادی در کلکته به کوشش مولوی محمدالله داد، در دو جلد چاپ شد و بعد از آن، در سال ۱۳۳۶ هـ. ش. در تهران به اهتمام محمدعلی عباسی در دو جلد به چاپ رسید و سپس در سال ۱۳۸۷ هـ. ش. در تهران به تصحیح سیدمحمد سعید میرصادق و عبدالحسین نوایی در دو جلد چاپ شد. درباره ظفرنامه و شرفالدین علی یزدی، نوشته‌های پراکنده‌ای دیده می‌شود که اغلب آنها صرفاً به زندگی و شرح احوال نویسنده پرداخته‌اند.

نخستین بار، جعفر بن محمد جعفری در کتاب تاریخ یزد. (۸۷۲-۸۳۹ هـ. ق.) به زندگی و شرح حال شرفالدین علی پرداخته و ظفرنامه را به صورت مختصر معرفی کرده است. (صص ۲۲۸ و ۲۲۷) بعد از آن، احمدبن حسین بن علی کاتب در تاریخ جدید یزد. (۸۶۲ هـ. ق.)، اطلاعاتی راجع به سال وفات و محل دفن وی داده و اشعاری نیز از او نقل کرده است. (صص ۹۶ و ۲۹۶ و

۲۷۳) سپس دولت‌شاه سمرقندی در تذکرة الشعراء (۸۹۲ هـ. ق.) به اجمال، وقایعی از زندگی شرف‌الدین علی و چگونگی تألیف ظفرنامه را بیان کرده است. (صص ۳۸۰-۳۷۸)

چند سال بعد، امیر علیشیر نوایی در کتاب مجالس النفایس (۸۹۶ هـ. ق.) شرح حالی از شرف‌الدین علی یزدی و ابیاتی از آثار طبع او را با تخلص «شرف» آورده است. (صص ۲۵ و ۱۹۹) همچنین، خواندمیر در کتاب حبیب السیر (۹۳۰-۹۲۷ هـ. ق.) به پاره‌ای از حوادث زندگی او اشاره کرده است. (ج ۳، صص ۶۱۹ و ۶۲۴ و ۶۳۵) امین احمد رازی نیز در تذکرة هفت اقلیم (۱۰۰۲ هـ. ق.) به صورت بسیار کوتاه آثارش را معرفی نموده است. (ج ۱، صص ۱۴۵ و ۱۴۶) بعد از او، محمدمفید مستوفی بافقی در جامع مفیدی (۱۰۴۶ هـ. ق.) در ضمن شرح زندگی شرف‌الدین علی، داستان‌هایی از وقایع و حوادث زندگی او آورده است. (ج ۳، صص ۳۰۴-۲۹۹ و ۶۴۴) رضاقلی هدایت نیز در کتاب ریاض العارفین (۱۲۶۰ هـ. ق.) چند سطر درباره‌ی او سخن گفته. (ص ۳۶۳) و همچنین ادوارد براون انگلیسی در کتاب تاریخ ادبی ایران (۱۳۴۱ هـ. ق.) درباره‌ی او و آثارش مطالبی ذکر کرده و ظفرنامه را معرفی نموده است. (ج ۳، صص ۳۹۳-۳۸۹)

در کتاب‌های تاریخ ادبیات فارسی و تذکره‌ها و دانش‌نامه‌ها نیز مطالبی پراکنده و بسیار مختصر در شرح حال او و آثارش آمده است.

در حیطه پایان‌نامه نیز تنها یک نمونه از آقای سیدعلیرضا میرجلیلی با عنوان «نقد و تحلیل ظفرنامه تیموری» ارائه شده. (گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه یزد، ۱۳۸۶ هـ. ش) که به بررسی برخی ویژگی‌های سبکی و دستوری و آرایه‌های ادبی در این کتاب پرداخته است، اما تاکنون، تحقیق و پژوهشی درباره‌ی لغات و واژگان و تعبیرات ظفرنامه و شرح دشواری‌ها و مشکلات آن انجام نگرفته است.

۱-۳- سوالات پژوهشی

- ویژگی‌های سبکی و دستوری ظفرنامه چیست؟
- نثر ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی از نظر زبانی و واژگانی چه ویژگی‌هایی دارد؟

- دشواری‌های لغوی متن ظفرنامه چیست و برای آن‌ها در فرهنگ‌ها و شروح متون ادبی چه توضیحاتی دیده می‌شود؟

- شرف‌الدین علی در کتاب ظفرنامه چگونه از آیات قرآنی و احادیث استفاده کرده است؟

۴-۱- اهداف تحقیق

هدف از این پژوهش، معرفی شرف‌الدین علی یزدی و کتاب معروفش «ظفرنامه» به عنوان جامع‌ترین کتاب تاریخ عصر تیموری و همچنین، شرح ویژگی‌های زبانی و واژگانی در متن مصنوع ظفرنامه تیموری و نیز توضیح درباره‌ی واژگان، ترکیبات و عبارات دشوار و پیچیده و آیات قرآنی آن است.

این تحقیق می‌تواند، زمینه‌ی آشنایی علاقه‌مندان را با دشواری‌های بخشی از آثار ادبی منثور و منظوم فارسی فراهم آورد و دریافت حقایق را از متن ظفرنامه آسان سازد تا از این رهگذر، پژوهندگان و محققان آثاری ادبی و تاریخی بتوانند به سهولت با متن ارتباط برقرار کنند و شواهد لغوی و مثال‌های دستور تاریخی و سبک‌شناسی بیشتری را بر پایه‌ی متن این کتاب در اختیار بگیرند.

۵-۱- روش تحقیق

این پژوهش از نوع بنیادی است که به روش کتابخانه‌ای و با استفاده از شیوه‌ی تحلیلی - توصیفی انجام می‌شود؛ به این صورت که ابتدا، کتاب «ظفرنامه تیموری» مورد مطالعه قرار می‌گیرد و واژگان و ترکیبات دشوار و عبارت‌های عربی و آیات قرآنی و احادیث، از آن استخراج می‌شود و سپس با مراجعه به فرهنگ‌ها و کتب قرآنی مطالب لازم و ضروری و عبارات قابل استفاده و استناد یادداشت می‌شود و در نهایت به شرح دشواری‌های این کتاب پرداخته خواهد شد و در فصلی جداگانه مؤلف و اثرش به صورت اجمالی معرفی می‌گردد.

فصل دوم

زمانه زندگی شرف‌الدین علی.

(دورهٔ تیموری)

زمانه زندگی شرف‌الدین علی یزدی

ادبیات تاریخ فرهنگ هر ملتی است، در بررسی ادبی برهه‌ای از زندگی یک ملت یا فرد شاخص، ناگزیریم که از اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگ عهد وی نیز باخبر باشیم. با توجه به اینکه شرف‌الدین علی یزدی مؤلف ظفرنامه، در دوره تیموری می‌زیست، ابتدا به بررسی این دوره از تاریخ می‌پردازیم:

۱-۲ زندگانی تیمور

امیر تیمور گورکان، پسر امیر ترغای، نخستین حکمران سلسله تیموری یا گورکانی بود. وی پس از انتصاب به حکومت «کش» (شهر سبز) با دختر خان کاشغر ازدواج کرد و به گورگان (داماد) معروف شد.

وجه تسمیه او به تیمور لنگ، به سبب زخم‌هایی بود که در جنگ با والی سیستان برداشت و پای راستش تا آخر عمر می‌لنگید. امیر تیمور (متولد ۷۳۶ هـ.ق.) در سن ۳۴ سالگی رقیب خود، امیرحسین را شکست داد و به «صاحبقران» ملقب گردید. وی به بسیاری از شهرهای ایران لشکرکشی کرد و آن‌ها را تحت تصرف خود درآورد و در سال ۸۰۷ هـ.ق. در سن ۷۱ سالگی درگذشت. اعمال خشونت‌آمیز او دربردهایش سبب شد به عنوان یکی از خونریزترین فاتحان تاریخ شناخته شود.^۱

از جمله ویژگی‌هایی که تیمور را از دیگر حکمرانان ترک و مغول ممتاز می‌کرد این بود که: وی خود را مسلمانی پاک اعتقاد می‌دانست و چنان وانمود می‌کرد که در راستای گسترش دین اسلام می‌کوشد و در عمل نیز به قواعد دین اسلام پایبند بود، در بزرگداشت سادات و علما نیز می‌کوشید و به پیران و صوفیان عصر خود نیز توجه فراوانی نشان می‌داد.^۲

۱- مهدی فراهانی منفرد، پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان، چاپ دوم، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۲، ص ۵۲.

۲- همان، صص ۵۳-۵۶.

تیمور بر خلاف دیگر فاتحان، از فرهنگ و دانش بی‌بهره نبود و به غیر از زبان ترکی، زبان فارسی را هم می‌فهمید و با علوم اسلامی هم آشنایی داشت. از میان مناطقی که تیمور متصرف شده بود، تنها خوارزم ترک زبان بود و از این رو، تیمور تحت تأثیر فرهنگ ایران قرار گرفت. از جمله مشاهیری که تیمور در روزگار خود با آنها ملاقات داشته می‌توان از ابن خلدون، مورخ معروف و خواجه حافظ شیرازی نام برد.

درباره کارهای ثمربخشی که تیمور در طول دوران حکومت خود انجام داد گفته شده است که: «در همه فتوحات خود از خون صنعتگران و هنرمندان درمی‌گذشت و آنان را به سمرقند می‌فرستاد، در زمین‌های خراب کاریز جاری کرد، پل‌های خراب را تعمیر کرد، روی رودخانه‌ها پل بست و دستور داد تا در راه‌ها در هر منزل، رباطی بسازند و در هر شهر و دیاری مسجد و مدرسه و خانقاهی بنا کنند و دارالشفای بسازند»^۱.

۲-۲- جانشینان تیمور

ملت ایران در اوایل قرن نهم، در حالی که هنوز حمله وحشت‌آور مغولان را در خاطر داشت در دام هجوم تیمور افتاد گویا او با خرابی ایران سعی در آبادی سمرقند و ماوراءالنهر داشت. بعد از درگذشت، تیمور شاهرخ چهارم پسر او. (۸۰۷-۸۵۰ هـ.ق.) پس از چهار سال به جانشینی پدر منصوب شد. وی در جهت جبران خرابی‌های پدر کوشید و زمانی نگذشت که نوادگان تیمور «برخلاف طبع درنده‌خویی که در وجودشان مرکوز بود» با تأثیر از محیط و مردم ایران، انسان‌هایی صاحب ذوق شدند و به هنر و ادبیات روی نمودند.^۲

شاهرخ برخلاف پدرش صلح‌جو بود او همچون پدر، خود را مسلمانی مؤمن و هوادار به اسلام می‌دانست و با مشایخ و بزرگان عصر ارتباط داشت. از جمله اقدامات وی در زمینه توجه به فرهنگ

۱- مهدی فراهانی منفرد، پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان، صص ۶۱-۵۷.

۲- محمدجواد مشکور، تاریخ ایران زمین از روزگار باستان تا انقراض قاجاریه، چاپ دوم، تهران، شرقی، ۱۳۶۳، صص ۲۶۱.

و هنر و ادب، ساخت شمار بسیاری مدرسه، مسجد، رباط و خانقاه و... است و در کنار این بناها کتابخانه‌های شایسته‌ای را برای استفاده جویندگان علم وقف کرد. شاهرخ بیش از دیگر شاهان تیموری، به صنعت و علم توجه داشت و در عهد او فنونی چون نقاشی و خوشنویسی پیشرفت درخور توجهی کرد.

مکتب هرات چه در عرصه نقاشی و خوشنویسی و چه در حوزه شعر و ادب از همین زمان شکل گرفت. در دوره شاهرخ، ادبیات ایران از نظر کمی درخور توجه است، اما از نظر کیفی از ادوار انحطاط ادبی فارسی محسوب می‌شود.^۱

از دیگر جانشینان تیمور «خلیل سلطان» بود، که علاوه بر حمایت از شاعران و نویسندگان و هنرمندان، شعر هم نیکو می‌گفت و همانند دیگر شاهزادگان علاقه فراوانی به جمع‌آوری کتاب و تشکیل کتابخانه داشت. دیگر شاهزاده تیموری «محمد تراغای» فرزند ارشد شاهرخ بود که به الغ بیک یا شاهزاده بزرگ شهرت یافت. الغ بیک یکی از پادشاهان دانشمند ایران بود که بر دانش‌ها و فنون زمان خود - به ویژه تاریخ و ریاضیات و نجوم - احاطه داشت. به دستور او، در سال ۸۲۴هـ.ق، در سمرقند مدرسه‌ای بنیاد نهاده شد که در آن، نجوم تدریس می‌شد و چهارسال پس از افتتاح مدرسه، رصدخانه‌ای در سه طبقه ساخت که در سده دهم ویران شد و از مهمترین نتایج فعالیت وی و مدرسه‌اش جداولی است که به «زیج الغ بیک یا گورکانی» معروف است و به زبان فارسی نوشته شده و تا همین اواخر، استخراج تقویم‌ها براساس آن انجام می‌گرفت. الغ بیک سمرقند را به کانون شعر و ادب فارسی تبدیل کرده بود. میرزا عبدالله، پسر میرزا ابراهیم و نوه شاهرخ، معروف به میرزا عبدالله شیرازی نیز از حامیان بزرگ شعر و ادب عصر تیموری محسوب می‌شود و بنا به گفته دولت‌شاه سمرقندی شرف‌الدین علی یزدی ظفرنامه را به تشویق همین شاهزاده تألیف کرد.^۲

۱- مهدی فراهانی منفرد، پیوند سیاست و فرهنگ، صص ۶۵-۶۸.

۲- همان، صص ۶۹-۷۲.

بایسنقر، فرزند دیگر شاهرخ، نیز نقش مهمی در حمایت از ادبیات و هنر عصر خود ایفا کرد. وی در سال ۸۲۰ ه.ق. به ولیعهدی منصوب شد. آثار بی‌نظیری که در نتیجه توجه بایسنقر میرزا در مدت ده سال به دست هنرمندان در هرات به وجود آمد کیفیت فعالیت‌های هنری دوره تیمور را به خوبی نشان می‌دهد.^۱

گوهرشاد بیگم همسر شاهرخ میرزا نیز در بسیاری از شهرها مسجد جامع، مدرسه و خانقاه بنیاد نهاد که می‌توان به مسجد جامع و خانقاه شهر هرات و مسجد گوهرشاد مشهد مقدس اشاره کرد. بعد از شاهرخ و فرزندانش دولت تیموری چهره‌ای دیگر که حامی فرهنگ و هنر باشد به خود ندید.

اگرچه تیموریان از نظر توجه به دانش، فرهنگ و ادب و هنر هنوز به کمال نرسیده بودند ولی با سپری شدن مدت زمانی، می‌توان دوره حکومت سلطان حسین بایقرا را درخشان‌ترین دوره در توسعه فرهنگ و ادب در تاریخ تیموریان دانست.^۲

به طور کلی، از جمله شاهزادگان تیموری که علاقه فراوانی به ادب و هنر نشان می‌دادند می‌توان فرزندان شاهرخ؛ ابراهیم سلطان بن شاهرخ، میرزا بایسنقر پسر دیگر شاهرخ و الغ بیک بن شاهرخ را نام برد.

دراوایل دوره تیموری، امیر جلال‌الدین فیروزشاه، از صاحب‌منصبان بزرگ دربار شاهرخ، از ممدوحان شعرای زمان بود و امیر علاء‌الدین علیکه کولتاش از دیگر افراد یا نفوذ اهل علم و ادب محسوب می‌شود و در اواخر این عهد، امیر علیشیر نوایی که خود شاعری بزرگ به زبان ترکی و شاعری متوسط به زبان فارسی بود، بسیاری از اموال خود را در این راه صرف می‌کرد و آخرین پادشاه مقتدر تیموری، سلطان حسین بایقرا، از مشوقان معروف ادب و ادب‌است.^۳

۱- مهدی فراهانی منفرد، پیوند سیاست و فرهنگ، صص ۷۲ و ۷۳.

۲- همان، ص ۷۵.

۳- ذبیح‌الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، چاپ نهم، تهران، فرودس، ۱۳۷۲، ج ۴، صص ۱۲۸-۱۲۵.

۲-۳- ساختار سیاسی دوره تیموری

تیمور با حملات خود بر ایران، حکومت‌های محلی را برانداخت و یک حکومت مقتدر به وجود آورد که مرکز آن سمرقند بود. قلمرو تحت سلطه تیمور پس از وی، به دلیل درگیری و کشمکش‌های میان جانشینان، تجزیه شد، به گونه‌ای که شاهزادگان متعدّد تیموری جز در عهد شاهرخ، نتوانستند دولت مقتدری را پایه‌ریزی کنند. بعد از شاهرخ، فقط دوران نسبتاً طولانی سلطنت ابوسعید بن سلطان محمد بن میرانشاه و دوران سلطنت حسین میرزای بایقرا قابل توجه است.^۱

حکمرانان تیموری مشروعیت حکومت خود را از راه‌های گوناگونی چون عناصر مذهبی و تمسک به عارفان و صوفیان به دست می‌آوردند. همان گونه که هلاکوخان مغول، خواجه نصیرالدین طوسی را در کنار داشت، امیر تیمور نیز مشروعیت خود را از «باباسنکوی» صوفی گرفت و سلطان حسین بایقرا نیز برای مشروعیت دادن به حکومت خود به صوفی معروف، «باباکوهی» روی آورد. تصوّف تاحدّ زیادی خود را به کانون قدرت نزدیک کرده بود و نفوذ اجتماعی گسترده‌ای داشت تا جایی که یکی از همین فرقه‌های تصوّف توانست قدرت سیاسی کسب کند و سلسله صفویان را بنیاد نهد.^۲

در رأس نظام سیاسی تیموریان، سلطان قرار داشت که دارای قدرتی مطلقه بود و حاکم بر جان و مال رعایا به شمار می‌آمد. در برابر این قدرت مطلقه، هیچ جانی و سرمایه‌ای امنیت نداشت و حتی صاحب منصبانی که رابطه‌ای نزدیک با سلطان داشتند از رفتارهای غیرانسانی سلطان در امان نبودند البته این روش نادرست چیزی جز تزلزل قدرت در ساختار سیاسی حکومت در پی نداشت. در این نظام قدرت، پس از شاه، خاندان شاهی و برادران و فرزندان شاه، قرار می‌گرفتند که به عنوان حاکم، به ایالات تحت حاکمیت سلطان فرستاده می‌شدند و امیران به دلیل آنکه از ساختار عشیره‌ای حکومت بودند که قدرت سیاسی براساس آن معنا می‌یافت در جرگه نظامیان

۱- ذبیح‌الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، ص ۱۱.

۲- مهدی فراهانی منفرد، پیوند سیاست و فرهنگ، صص ۷۷-۸۰.